



معرفی و بررسی کتاب

- راهنمای ادیان زنده
- جان هینلز
- ترجمه: عبدالرحیم گواهی
- دفتر تبلیغات اسلامی، ۲ جلدی، قم، ۱۳۸۵ ش.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



● دکتر بخشعلی قنبری  
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد تهران مرکزی

**مقدمه:**  
از زمانی که مغربزمین از درگیری‌های دینی خسته شد و کلیسا نیز به حقانیت سایر ادیان از جمله اسلام اعتراف کرد، دو پدیده مهم در فرهنگ این سرزمین ظاهر شد، پلورالیسم و گفت‌وگو بین ادیان. علاوه بر این، رشد ارتباطات در سایه فن‌آوری، زمینه را برای ظهور و بروز دانش‌های نوین فراهم کرد. این تحولات در عرصه‌های مختلف به ظهور رسید از جمله رشته جدید با عنوان «دین‌شناسی تطبیقی» توسط ماکس مولر متولد شد که از ثمرات بسیار مهم و شیرین رویکرد جدید غربیان به دین بوده است. در سایه این رشته، دانش غربیان نسبت به ادیان شرقی افزایش یافت و شکاف پدید آمده بین غرب و شرق پر شد و اشتیاق کشف شرق برای آنان افزایش یافت و کرسی‌های جدیدی در این حوزه در دانشگاه‌ها پدید آمد. پژوهشگران زیادی جذب این رشته‌ها شدند، تألیف صدها کتاب معتبر در این موضوع دستاورد بزرگ تحولات اخیر بوده است. مضاف



بر این که دایرةالمعارف‌های علمی نیز در این باره به نگارش در آمد که مهم‌ترین آنها دایرةالمعارف ادیان و اخلاق، ویراسته جیمز هیتینگر و دایرةالمعارف ادیان، ویراسته میرچا الیاده است.

از آن زمان تاکنون این روند ادامه داشته و دین‌پژوهان بزرگی چون پل تیلیخ، اتسو، المارت و ... به این عرصه وارد شدند و در بسط و تکامل این رشته جدید کوشیدند. اینک کم‌تر دانشگاهی در مغرب زمین است که کرسی ادیان نداشته باشد، بلکه کم ماه و فصلی است که کتاب جدیدی در این زمینه به نگارش در نیاید.

در کشور ما نیز هرچند دیرتر از تحولات مغرب‌زمین، اندیشمندانی پیدا شدند تا جریان علمی مغرب‌زمین نیز در ایران پی گرفته شود. طبیعی بود که این پی‌گیری صبغه ایرانی - اسلامی داشته باشد. این کار از سه طریق پی‌گیری شد: (۱) تألیف کتاب‌های مربوط به این حوزه؛ (۲) ترجمه آثار غربی؛ (۳) تأسیس کرسی ادیان و عرفان تطبیقی در دانشگاه‌ها. این سه طریق ادامه یافت و در ترجمه‌های زیادی از آثار مربوط به این رشته صورت گرفت؛ که کتاب راهنمای ادیان از جمله آنهاست.

جان هینلز<sup>۱</sup> در شهر دربی انگلستان متولد شد. در سال ۱۹۶۵م. با ماریان ازدواج کرد و حاصل این ازدواج دو پسر به نام‌های مارک جولیان<sup>۲</sup> و دونکن کیت ویلیام<sup>۳</sup> بود. جان هینلز پس از مطالعه، اشتغال و تدریس هنر، در سال ۱۹۶۱م. مطالعات خویش را در باب حکمت الاهی (کلام) در کالج کینگز<sup>۴</sup> لندن آغاز کرد. سپس تحصیلات عالی خود را در این رشته در همان کالج و مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن ادامه داد. در سال ۱۹۶۷م. به عنوان مدرس رشته مطالعات ادیان در دانشگاه نیوکاسل منصوب شد و در سال ۱۹۷۰م. به دانشگاه منچستر رفت و در آن‌جا، در سال ۱۹۸۴م. در رشته دین‌شناسی تطبیقی به مقام استادی دست یافت. در فاصله سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۷م. در دانشگاه آزاد<sup>۵</sup> به عنوان استاد ارشد مدعو در رشته تاریخ ادیان به تدریس پرداخت و در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸م. رئیس دانشکده الاهیات دانشگاه منچستر شد. در سال ۱۹۹۳م. به عنوان استاد دین‌شناسی تطبیقی در دانشگاه لندن و بخش مطالعات ادیان در

مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی را تأسیس کرد و به ریاست آن‌جا منصوب شد. هرچند هینلز تألیف کتاب‌های زیادی را در زمینه تاریخ ادیان سرپرستی و انتشار چهار سلسله کتاب مهم را پایه‌ریزی کرده است، رشته تخصصی تحقیق و تألیفات خود وی دین زرتشتی و به ویژه میترایسم (دین میترای) و پارسیان (زرتشتیان هند) است. او علاوه بر افتتاح اولین، دومین و چهارمین کنگره بین‌المللی مطالعات میترای (منچستر سال ۱۹۷۱م، تهران سال ۱۹۷۵م. و رُم سال ۱۹۹۰م). سرپرستی تحقیقات تعدادی از مراکز مطالعات میترای در اغلب کشورهای اروپایی را بر عهده داشته و برای تکمیل آثار خویش پیرامون پارسیان هند سفرهای متعددی به شبه قاره هند کرده است. وی همچنین در کشورهای هنگ‌کنگ، استرالیا، سوئد، آمریکا، کانادا، ایران و پاکستان به ایراد سخنرانی پرداخته است وی همچنین در سال ۱۹۷۵م. به ایراد «سخنرانی‌های تحقیقات دوستی» در بمبئی و در سال ۱۹۸۵م. به ایراد سخنرانی‌هایی<sup>۶</sup> در دانشگاه آکسفورد پرداخته است. جان هینلز عضو «انجمن شگفتی آسیایی» و از اعضای چندین تشکل علمی دیگر است و در سال ۱۹۹۷م. نیز به عنوان استاد مدعو مطالعات ادیان به دانشگاه دربی دعوت شد. علاوه بر این، وی عضو «شورای انجمن مطالعات آسیای جنوبی» و رئیس «اتحادیه بخش‌های الاهیات و مطالعات دینی دانشگاه‌های انگلستان» است.

جان هینلز سر ویراستاری آثاری چون چهره‌های دین‌شناسی<sup>۷</sup> (سال ۱۹۹۶م)، «دیکسیونز ادیان پنگوئن» (چاپ دوم، سال ۱۹۹۷م) و کتاب راهنمای جدید ادیان زنده (سال ۱۹۹۷م) داشته است که انتشارات پنگوئن این هر سه اثر را منتشر ساخته است. کتاب‌های هینلز در باب دین زرتشتی شامل کتاب اساطیر<sup>۸</sup> ایرانی<sup>۹</sup> (سال ۱۹۸۳م) و دین زرتشتی در بریتانیا (آکسفورد ۱۹۹۶م) است. از هینلز حدود پنجاه مقاله تحقیقاتی منتشر شده است. وی همچنین به عنوان مشاور انتشارات پنگوئن در موضوعات دین و متون کلاسیک غیرغربی خدمت می‌کند.<sup>۱۰</sup>

## آسیایی پکن.

دکتر ایسل‌وارد شورتر (Aylward Shorter) کاتر تانگازا، دانشگاه کاتولیک آفریقای شرقی، نایروبی کنیا.  
دکتر اوسی استوارت (Ossie Stuart) نویسنده و محقق آزاد در موضوع قومیت، نژاد و هویت.  
پروفیسور هارولد ترنر (Harold W. Turner) استاد سابق کالج سلی اوک (Selly Oak) بیرمنگام.  
پروفیسور آندرو والز (Andrew Walls) مرکز مطالعات مسیحیت در دنیای غیرمغرب‌زمین، دانشگاه ادینبورگ.  
سیمون وتیمن (Simon Weightman) بخش مطالعه ادیان، مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن.  
پروفیسور آلفورد ولش (Alford T. Welch) بخش مطالعات ادیان، دانشگاه ایالتی میشیگان.  
دکتر آلن اونترمن (Alen Unterman) بخش ادیان و الاهیات دانشگاه منچستر.  
پروفیسور ریموند برادی ویلیامز (Raymand Brady Williams) بخش مطالعه ادیان، کالج وِباش (Wabash) ایالت ایندیانا آمریکا.<sup>۱۱</sup>

## کتاب راهنمای ادیان

این کتاب *The New Penguin: Handbook of Living Religions* در سال ۱۹۹۸ م. چاپ شده است نخستین بار در سال ۱۹۸۴ م. به شکل دیگری چاپ شده بود. نخستین ترجمه این کتاب به فارسی همین اثری است که در صدد معرفی و بررسی آن هستیم.  
کتاب در مجلد نسبتاً قطور چاپ شده و دو موضوع کلی و اساسی را در خود جای داده است: (۱) معرفی یازده دین؛ (۲) مباحث فرهنگی ادیان که تنها ۳۷۰ صفحه از مجموعه ۱۵۹۵ صفحه را به خود اختصاص داده است. کتاب در واقع مجموعه مقالاتی است که درباره موضوعات یاد شده و جان هینلز آن را ویراستاری کرده است.  
در حوزه ادیان، مؤلفان به دو صورت عمل کرده‌اند: یک‌بار با محوریت عناوین ادیان به بررسی آنها پرداخته؛ و یک‌بار با محوریت مناطق جغرافیایی بررسی کرده‌اند و هر یک از عناوین را در یک فصل گنجانده‌اند.  
فصل اول، دین یهود. این فصل نوشته دو نفر به نام‌های آلن اونترمن<sup>۱۲</sup> است که مباحث یهود را تا قتل عام یهود پی‌گیری کرده

## معرفی کتاب

کتاب راهنمای ادیان در واقع مجموعه مقالاتی است که بیست و پنج نفر از نویسندگان آن را نوشته‌اند:  
دکتر پوروشو‌هاما بلیموریا (Purushohama Billimoria) مدرسه مطالعات اجتماعی، دانشگاه دیکین استرالیا.  
پروفیسور مری بویس (Mary Boyce) استاد ارشد مطالعات ایرانی، دانشگاه لندن.  
دکتر اُون کول (W. Owen Cole) بخش مطالعات ادیان، مؤسسه مطالعات عالی چیچستر (Chichester).  
پروفیسور بریان کولس (Brian E. Colless) بخش مطالعات ادیان، دانشگاه مَسی نیوزیلند.  
پروفیسور جان کورت (John E. Cort) بخش دین، دانشگاه وینسون اوهایو.  
کازینز (L.S. Cousins) استاد سابق بخش دین‌شناسی تطبیقی، دانشگاه منچستر.  
پروفیسور هارولد کوارد (Harold Coward) مرکز مطالعات دین و جامعه، دانشگاه ویکتوریای انگلیس.  
پروفیسور پیتر دونوان (Peter Donovan) بخش مطالعات ادیان، دانشگاه مَسی نیوزیلند.  
استاد در گذشته، پروفیسور کندال فولکرت (Kendall W. Folkert) بخش دین، دانشگاه مرکزی میشیگان.  
پروفیسور آرمین گیرتز (Armin W. Geertz) بخش مطالعه ادیان، دانشگاه آرهوس (Aarhus) دانمارک.  
پروفیسور جان هینلز (John R. Hinnells) بخش مطالعات ادیان، مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن.  
پروفیسور اورسولا کینگ (Ursula King) بخش الاهیات و مطالعات دینی، دانشگاه بریستول.  
دکتر کیم نوت (Kim Knott) بخش الاهیات و مطالعات دینی، دانشگاه لیدز.  
دکتر دنیس مک اتوین (Mac Eoin) استاد پیشین دانشگاه نیوکسل (Newcastle).  
پروفیسور گوردون ملتون (J. Gordon Melton) مؤسسه مطالعه ادیان آمریکا در سانتا باربارای کالیفرنیا.  
پروفیسور دیوید رید (David Reid) دانشگاه سیگا کوئین (Seiga Kuin) ژاپن.  
پروفیسور میکائیل ساسو (Michael Sasu) مؤسسه مطالعات

جدی دارد. مهم‌ترین عقیده این دین تپس<sup>۲۸</sup> است که افراد از طریق آن می‌توانند به رستگاری برسند. نویسنده این مقاله کندال و فولکرت<sup>۲۹</sup> و جان کورت<sup>۳۰</sup> آن را بازنویسی کرده‌اند. در این مقاله مطالب و موضوعات مرسوم این دین مورد توجه قرار گرفته است. پیروان این دین بیش از سه میلیون نفر است که در سرتاسر هند حضور دارند. جینی‌ها در تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هند نقش بسزایی داشته‌اند. این دین به دو فرقه عمده شوتامباره و دیگامباره تقسیم می‌شود که فرقه دوم به لحاظ پرهیز از پوشش، افراطی‌تر از فرقه اول‌اند.<sup>۳۱</sup>

**فصل هشتم، دین بودایی.** نویسنده این مقاله ال. اس کازینز<sup>۳۲</sup> است که قبلاً کتاب بودایی از وی به فارسی ترجمه شده است. این دین هم مانند دین جین تاریخی طولانی در هند دارد، اما مانند آن اهمیت لازم را ندارد. پیدایش آن در این کشور بود، اما توانست در برابر هندوئیسم دوام آورد در نتیجه از مرزهای هند خارج و در آسیای جنوب شرقی گسترش یافت. نکته مهم و نسبتاً تازه‌ای که در این مقاله آمده تقسیم‌بندی سه‌گانه مذاهب بودایی است: (۱) بودایی جنوبی که به ترواده (راه مشایخ) معروف است و سنت‌گراتر از فرق دیگرند. (۲) بودایی شرقی که همان مهاییانه است. پیروان این مذهب در چین، ژاپن، کره و ویتنام حضور دارند. (۳) بودایی شمالی که به لامائیسم معروفند و اغلب در تبت چین اقامت دارند. علاوه بر مذاهب یاد شده سایر فرق و مکاتب فلسفی بودایی نیز به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است. نکته جالب این مقاله بررسی وضعیت فعلی دین بودایی است.<sup>۳۳</sup>

**فصل نهم، ادیان چینی.** نویسنده این مقاله میشل ساسو<sup>۳۴</sup> است که در واقع به سه دین کنفوسیوسی، تائوئی و بودایی پرداخته است. در واقع باید گفت که برخلاف دین هندویی، دین چینی نداریم، بلکه مراد از این اصطلاح دین‌هایی است که در چین حضور دارند که مهم‌ترین آنها سه دین یاد شده است. بنابراین منابع ادیان چینی آثار مقدس این سه دین است.<sup>۳۵</sup> نویسنده پس از ذکر منابع ادیان چینی به ذکر مقدمه‌ای در تاریخچه دین چینی پرداخته است. دین چینیان به چهار دوره بهار، تابستان، پاییز و زمستان بر می‌گردد و چینیان به طور سنتی تاریخ دینشان را با این فصل‌ها متناظر ساخته‌اند. بخش اول (بهار) از ابتدای سلطنت چو در حدود ۱۱۰۰ پ.م تا دوره جنگ‌های بین ولایات و سلسله هان ۲۰۶ م. ادامه می‌یابد. دوره دوم از سال ۲۰۶ م. (که در کتاب پیش از میلاد نوشته شده) آغاز و در سال ۹۰۰ م. پایان می‌پذیرد. این دوره را دوره تابستان می‌گویند. دوره سوم از ابتدای سلسله سونگ در

و لوباوچی<sup>۳۶</sup> به مبحث مسیح‌گرایی پرداخته است. تنها ویژگی این مقاله آمار جدید پیروان یهود است که جمعاً ۱۴/۵ میلیون نفر دانسته شده است که کم‌تر از ۶ میلیون آن در آمریکا و بیش از ۳/۵ میلیون آن در اسرائیل بسر می‌برند و پس از آن اتحاد جماهیر شوروی سابق با ۲/۵ میلیون نفر است.<sup>۳۷</sup> البته در مقاله «مسیح‌گرایی» نیز مطلب نوی با عنوان مسیح‌باوری صهیونیستی وجود دارد که به بررسی گروه‌های مسیح‌باور پرداخته که از آن جمله می‌توان به امونیم<sup>۳۸</sup> اشاره کرد که در سال ۱۹۷۴ م. تأسیس شده است. این گروه فتح کل سرزمین مقدس تاریخی اسرائیل به دست ارتش اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ م. اعراب و اسرائیل را گامی مهم در نجات نهایی قوم یهود می‌داند.<sup>۳۹</sup>

**فصل دوم، مسیحیت.** این فصل نوشته آندرو والز<sup>۴۰</sup> است که گزارش مرسوم از مسیحیت به دست می‌دهد و تنها عنوان جدید آن تحولات جدید مسیحیت است که نویسنده طی آن به جامعه‌پذیری مسیحیان اشاره کرده، اما مطلب قابل بحثی در آن یافت نمی‌شود.<sup>۴۱</sup>

**فصل سوم، اسلام.** نویسنده این فصل آلفرد ولش است که عناوین و ساختار مقالات قبل را در باب اسلام آورده است.<sup>۴۲</sup> نویسنده به اسلام از نقطه نظر اهل سنت نگریسته است از این جهت آموزه‌ها و اعمالی که در این جا یاد شده بیشتر با این مذهب اسلام انطباق دارد<sup>۴۳</sup> اما در ذیل سرفصل وحدت و تنوع به شیعیان نیز پرداخته است.<sup>۴۴</sup> نکته بدیع در این مقاله توجه نسبتاً خوب به اسلام معاصر است.<sup>۴۵</sup>

**فصل چهارم، دین زردشتی.** این مقاله نوشته مری بویس زرتشت‌شناس مشهور است که کتاب‌های زیادی درباره ایران و دین‌های ایرانی نوشته است. سرفصل‌های قبل در این مقاله نیز رعایت شده است. این مقاله نسبت به مقالات پیشین بسیار مختصر است.

**فصل پنجم، دین هندویی.** سیمون ویتمن<sup>۴۶</sup> نویسنده این مقاله است. این مقاله نسبتاً مختصر با رویکردهای مختلف به دین هندو، آداب و هندوئیسم در روستاها پرداخته است.

**فصل ششم، دین سیک.** واون کل<sup>۴۷</sup> نویسنده این مقاله است. بنیانگذار این دین هندی گورونانک (۱۴۶۹-۱۵۳۹ م) است که نویسنده بررسی زندگی وی و سایر گوروها را در دو بخش تاریخچه مختصر<sup>۴۸</sup> و تاریخچه بررسی تاریخی کرده است.<sup>۴۹</sup>

**فصل هفتم، دین جینی.** جین<sup>۵۰</sup> یکی از قدیمی‌ترین ادیان هند است که ۲۵۰۰ سال در حیات دینی هندوستان حضور

مترقی چون مسیحیت و اسلام می‌پردازد و تحولات جدید این دین را در این قاره از چشم دور نداشته است.

**در فصل چهاردهم، حرکت‌های دینی جدید در جوامع ابتدایی** نوشته هارولد ترنر<sup>۴۶</sup> به طور گزینشی برخی منابع را مورد بررسی قرار داده است.

**فصل پانزدهم،** نوشته گوردون ملتون<sup>۴۷</sup> ادیان جایگزین نوین در مغرب زمین را مورد توجه قرار داده است. او در مقاله‌اش نهضت‌های دینی از قبیل ادیان اشترایی، خانواده‌متافیزیکی تفکر جدید، خانواده‌های معنویت‌گرا، حکمت باستانی و خانواده ادیان مبتنی بر سحر و جادو را مورد بررسی قرار داده، هم‌چنین از وضعیت دینی جدید نیز سخن به میان آورده است.

**فصل شانزدهم کتاب،** به بهایی‌گرایی اختصاص یافته که دنیس مک‌اثون<sup>۴۸</sup> آن را نوشته است. نویسنده با ذکر تاریخچه‌ای از بهائیت، رهبران نخستین این حرکت را معرفی کرده است. منابع تحقیق در بهائیت از سرفصل‌های دیگر این مقاله است که نویسنده از آثار بهاء‌الله شروع کرده و آنها را به دو دوره تقسیم می‌کند: نوشته‌هایی که مربوط به سال‌های ۱۸۵۲-۱۸۶۷ م. است و آثار متعلق به سال‌های ۱۸۶۷-۱۸۹۰ م. این آثار به طور عمده متوجه مباحث اخلاقی، تصوف و تفسیر کتب مقدس هستند.<sup>۴۹</sup> پس از این آثار، نوشته‌های جانشینان وی از قبیل عبدالبهاء نیز مورد توجه قرار گرفته است.

تعالیم بهائیت از سرفصل‌های مهم این مقاله است که بخش حجیمی از مقاله را به خود اختصاص داده است. به دنبال این مباحث، مترجم محترم ضمیمه‌ای با عنوان نظر علمای اسلام راجع به بهائیت را در ۳۷ صفحه آورده و به نقد نظرات بهائیت پرداخته است. البته این مقاله نوشته خود مترجم نیست، بلکه آن را از دانشنامه جهان اسلام نقل کرده است.<sup>۵۰</sup>

بخش دوم کتاب به مباحث میان فرهنگی اختصاص دارد که فصل‌های هفدهم تا بیست و پنجم را شامل می‌شود. عناوین این مقالات به قرار زیر است: «دین و جنسیت» و «معنویت» هر دو به قلم اورسولا کینگ،<sup>۵۱</sup> مطالعه «دین در هجرت» (ادیان مهاجر) به قلم جان هینلز، «دین مهاجران آفریقایی» به قلم اوسی استوارت،<sup>۵۲</sup> «ادیان مهاجران آسیای جنوبی در استرالیا» به قلم پوروشوتاما بیلی مورییا<sup>۵۳</sup> که یکی از مقالات مفصل کتاب است، «ادیان جمعیت‌های مهاجر آسیای جنوبی در انگلستان» نوشته کیم کنوت،<sup>۵۴</sup> «ادیان مهاجران آسیای جنوبی در کانادا» به قلم هارولد کوارد،<sup>۵۵</sup> این مقاله با ارائه آمار و ارقام جدید از پیروان ادیان

حدود سال ۹۶۰ م. تا پایان دوره حکومت سلسله چینگ در سال ۱۹۸۲ م. ادامه می‌یابد. این دوره به دوره پاییز معروف است. دوران جدید چین را با فصل زمستان مقایسه کرده‌اند.<sup>۳۶</sup>

یکی از نکات روشن و جدید این فصل بررسی وضعیت کنونی دین در چین نوین است. در چین نوین که پس از اصلاحات دنگ شیائو پینگ<sup>۳۷</sup> باب شد محدودیت‌های پیش‌دینداری برداشته شد و آزادی اعلام گردید. در این زمان چهار دین بزرگ مجاز به فعالیت شدند و رسمیت یافتند: بودایی، تائویی، اسلام و مسیحیت.<sup>۳۸</sup>

**فصل دهم، ادیان ژاپن.** دیوید رید<sup>۳۹</sup> این مقاله را نوشته و دوره‌های «شینتو»، «شینتو - بودایی»، «شینتو - بودایی - مسیحی»، و «شینتو - بودایی - مسیحی و ادیان دیگر» و نیز رهبران ادیان و تعالیم آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. این مقاله به لحاظ برخورداری از مطالب و آمار و ارقام جدید متمایز از بقیه است به گونه‌ای که اغلب اطلاعات مورد نیاز درباره ادیان ژاپنی را در بردارد.<sup>۴۰</sup>

**فصل یازدهم، ادیان بومی آمریکای شمالی.** آرمین گیرتر<sup>۴۱</sup> موضوع خود را با پرداختن به فرهنگ مناطق آمریکای شمالی مورد بررسی قرار می‌دهد و موضوعاتی از قبیل فرهنگ‌ها و ادیان بومی آمریکای شمالی، ساحل شمال غربی، جنگل‌های شرقی، پلینز، جنوب غرب، پوئبلو، ناواجا، فلسفه مدرن بومیان آمریکا و ... را آورده است.<sup>۴۲</sup>

**فصل دوازدهم، ادیان منطقه اقیانوس آرام.** بریان کولس<sup>۴۳</sup> و پیتر دونوان<sup>۴۴</sup> نویسندگان این مقاله هستند. ساکنان جزایر منطقه اقیانوس آرام از نظر جغرافیایی و تاریخی چهار گروه عمده را تشکیل می‌دهند: اندونزیایی‌ها، ملانزیایی‌ها، پولینزی‌ها و ملانزی‌ها. این منطقه از جهان از نقطه نظر ادیان ابتدایی و شرقی بسیار حایز اهمیت است؛ زیرا آخرین نشانه‌های ادیان ابتدایی را در قبایل پولینزی و ملانزی می‌توان یافت. از این نظر این مناطق همیشه برای پژوهشگران ادیان ابتدایی و پیشرفته اهمیت داشته است؛ زیرا ادیان مهمی چون اسلام در اندونزی، هندوئیسم و مسیحیت در این مناطق حضور جدی دارند.

نویسندگان این مقاله، ادیان منطقه اقیانوس آرام را در قالب چهار منطقه یاد شده بررسی کرده و اعتقادات، آداب، رسوم، تأثیر پذیری خارجی و تحولات جدید آنها را مورد توجه قرار داده‌اند.

**در فصل سیزدهم،** ایل وارد شورتر<sup>۴۵</sup> به تحلیل و بررسی ادیان آفریقا پرداخته و ریشه‌های تاریخی آن را از ادیان ابتدایی (نظیر توتیمیس، فتیشیسم و ...) بررسی می‌کند. سپس به بررسی ادیان

ناهماهنگ نکند، ولی این کتاب از چنین ساختاری برخوردار نیست و این عدم هماهنگی به دو صورت ذیل است: اولاً خود کتاب که به دو بخش تقسیم شده از نظر حجم هیچ توازنی بین بخش‌ها وجود ندارد؛ چرا که یک بخش، جلد اول و بیش‌تر از نصف جلد دوم را شامل شده و بخش دیگر هشت فصل را به خود اختصاص داده است. مضاف این که بین فصل‌ها نیز رابطه منطقی وجود ندارد نه در بخش اول و نه در بخش دوم. اما در بخش اول ویراستار جایی توضیح نداده است که معیار ساختار حاضر چیست. اگر از لحاظ جنبه تاریخی این تقسیم‌بندی صورت گرفته قدیمی‌ترین دین/ ادیان در فصول نخستین قرار نگرفته‌اند و اگر معیار پر/ کم جمعیتی است باز قاعده خاصی وجود ندارد. از این جهت اثر از ناهماهنگی بین فصول برخوردار است که به هیچ وجه قابل توجیه نیست. به عنوان مثال ابتدا دین یهود مورد بررسی قرار گرفته و به دنبال آن مسیحیت و اسلام که خواننده با توجه به این روند تصور می‌کند که تقسیم‌بندی نویسنده با توجه به تاریخ ادیان سامی شکل گرفته است، اما یک‌باره با دیدن فصل چهارم این تصور فرو می‌ریزد چه، این فصل به دین زردشتی مربوط است که دست کم از ادیان مسیحیت و اسلام جلوتر است. این روند باز ادامه دارد. ترتیب یافتن دین هندویی و جینی و ژاپنی و ... که در فصل‌های بعدی‌اند هیچ منطقی ندارد. متأسفانه نه ویراستار و نه نویسنده هیچ‌کدام به این مقوله نپرداخته‌اند.

اتفاقاً این اشکال در بخش دوم هم وجود دارد؛ در این بخش نیز منطق خاصی وجود ندارد. اولین مسأله دین و جنسیت است؟ این‌که چرا این موضوع در ابتدا قرار گرفته، دلیل آن به هیچ وجه روشن نیست. بلافاصله بعد از این موضوع مسأله مهاجرت مطرح شده که تا فصل بیست و پنجم ادامه می‌یابد و پس از مطالعه تطبیقی مهاجرت مطرح می‌شود. بنابراین مجموعه مقالات حاضر از هیچ منطق خاصی پیروی نمی‌کند، بلکه یک دسته مقاله بدون این‌که ارتباط منطقی خاصی با همدیگر داشته باشند کنار هم قرار گرفته‌اند. ضمن این‌که هر کدام در جای خود مفیدند.

کاستی‌ها مربوط به مترجم و نحوه ترجمه. انصافاً مترجم در ترجمه این اثر زحمات طاقت‌فرسایی را تحمل کرده است. بی‌شک ذکر برخی نکات هرگز زحمات وی را زیر سؤال نخواهد برد و هرگز از ارزش کار نخواهد کاست بلکه گامی خواهد بود در جهت قوت و رفع نقایص آن.

۱) تاریخ چاپ اول کتاب به هیچ وجه مشخص نیست، چرا که در شناسنامه کتاب ۱۹۹۸م. آمده در حالی که در مقدمه

که مهاجران آسیای جنوبی در کانادا آغاز می‌شود و در ادامه به تفصیل به بررسی این ادیان می‌پردازد، «ادیان آسیای جنوبی در آمریکا» به قلم ریموند برادی ویلیامز،<sup>۶</sup> و «تأملاتی تطبیقی در باب ادیان آسیای جنوب در مهاجرت بین‌المللی» نوشته جان هینلز.

### نقد و بررسی

پیش از هر چیز باید از نویسندگان و به ویژه مترجم این اثر سترگ سپاسگزاری کرد که حجم عظیمی از اطلاعات و معارف مربوط به ادیان را در اختیار خوانندگان قرار داده‌اند، اما این اثر لازم است به دیده تحقیق نگریسته شود، تا مزایا و احیاناً کاستی‌های آن از دید خوانندگان مورد غفلت قرار نگیرد.

**الف) مزایای کتاب.** کتاب در واقع مانده دایرةالمعارف تخصصی ادیان است، اما با موضوعات بسیار محدود. از این نظر علاقه‌مندان به مطالعات ادیان به سهولت می‌توانند به خواسته‌های خود در محدوده موضوعات یاد شده دست یابند.

مزیت مهم این کتاب تازگی و به روز بودن آن است. خوانندگان با مراجعه به این کتاب می‌توانند از وضعیت کنونی ادیان ذکر شده آگاهی یابند؛ چه آمار و ارقام و چه عقاید و رهبران جدید ادیان در این مجموعه مورد توجه قرار گرفته است. مضاف بر این که نویسندگان مقالات این دو مجلد، از صاحب‌نظران بوده‌اند، به ویژه ویراستار آن جان هینلز ید طولایی در تحقیقات ادیان دارد. از این نظر خوانندگان می‌توانند به محتوای کتاب تا حدودی اعتماد کنند.

نکته دیگر این که ادیان در این اثر از سه جنبه تاریخی و با توجه به خاستگاه اولیه‌شان، با توجه به وضعیت استقرارشان و با توجه به موضوعات بین‌الادیانی و بین فرهنگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. از این نظر خوانندگان می‌توانند با خواندن حتی یکی از بخش‌های آن به خواسته خود برسند. ضمن این‌که تمام مؤلفه‌های یک دین نیز مورد توجه قرار گرفته است.

**ب) کاستی‌ها.** کاستی این کتاب در دو حوزه قابل بررسی است: کاستی‌های مربوط به اصل کتاب و نویسندگان آن به ویژه ویراستار و کاستی‌های مربوط به مترجم و نحوه ترجمه که ذیلاً به هر یک از آنها می‌پردازیم.

**کاستی‌های مربوط به اصل کتاب و نویسندگان.** کتاب به رغم مفید بودنش از ساختار دقیق و منظمی برخوردار نیست. درست است که کتاب در واقع مجموعه مقالات است، اما این مقالات باید طوری کنار هم چیده شوند که ذهن خواننده را مضطرب و

۵) برخی اعلام نیز به اشتباه تلفظ شده‌اند مثلاً سنوسی که ملک سنوسییه از آن مشتق شده و اسمی عربی است به السانوس تلفظ شده است.<sup>۳۲</sup> کافی بود مترجم به حرکت‌های بنیادگرایانه شمال آفریقا بلکه به یک کتاب دایرةالمعارف اعلام نگاه می‌کرد، متوجه تلفظ درست آن می‌شد.

شگفت‌آورترین کلمه‌ای که تلفظ نادرست آن در کتاب آمده «آهیمسا» است که درست آن «اهیمسه» است. البته از این شگفتی در این کتاب به غایت زیاد است.

علاوه بر نکات یاد شده برخی واژه‌ها نیز آمده است که چندان مناسب نیست: سنت (نحله)،<sup>۳۳</sup> مذاهب (فرقه‌های) کتاری،<sup>۳۴</sup> این در حالی است که فرقه با مذاهب یکی دانسته شده که این طور نیست. مضاف بر این که اصلاً واژه کتاری معلوم نیست که چه معنایی دارد؟! و کلمه خالصتان<sup>۳۵</sup> کاملاً نامفهوم است. به علاوه کاربرد کلمه «ماهیت» که بار فلسفی دارد دربارهٔ دین بودایی به کار رفته و در ترکیب «ماهیت بودیزم شمالی» آمده<sup>۳۶</sup> چندان تناسب ندارد و مترجم می‌توانست واژه‌های مناسب‌تری برگزیند.

واقعیت آن است که راقم این سطور نتوانست اصل انگلیسی آن را بیابد تا اثر حاضر را با دقت بیشتری مطالعه کند و پس از آن به نقدش پردازد، اما متأسفانه اشکالات ترجمه آن قدر زیاد است که بدون رجوع به اصل هم می‌توان به اشکالات آن پی برد.<sup>۳۷</sup>

## پی‌نوشت

۱. John. Hinnells.
۲. Mark Julian.
۳. Duncan Keit William.
۴. Kings college.
۵. Open university.
۶. Ratanbai Katrak Lectures.
۷. Who is who of Religions.
۸. Persian Mythology.
۹. احمد تفضلی و زاله آموزگار این کتاب را ترجمه کرده‌اند؛ نشر سرچشمه، ۱۳۸۱ش.
۱۰. راهنمای ادیان زنده، صص ۵۷-۵۸.
۱۱. همان، صص ۵۹-۶۰.
۱۲. Alan Unterman.
۱۳. Lubavitch.
۱۴. راهنمای ادیان، ج ۱، ص ۶۹.

مترجم ۱۹۸۷م.<sup>۳۷</sup> و در مقدمه مؤلف ۱۹۸۴م. است.<sup>۳۸</sup> البته نگارنده نتوانست اصل انگلیسی را تهیه کند و مواردی را مقابله نماید، اما نوشتهٔ مؤلف و مترجم به هیچ وجه واضح نبودند.

۲) ناهماهنگی در ترجمهٔ واژه‌های خاص و اصطلاحات از اشکالات دیگر ترجمه است. مثلاً مترجم در شناسنامه کتاب کلمه Handbook را راهنما و در جای دیگر راهنمای جدید<sup>۳۹</sup> و در جای دیگر کتاب دستی<sup>۴۰</sup> ترجمه کرده است. به علاوه کلمه Festival یکبار خودش به عنوان معادل آورده می‌شود و در جای دیگر از واژه جشنواره<sup>۴۱</sup> استفاده شده است و نیز کلمه Prayer یکبار به معنای دعا (نیایش)<sup>۴۲</sup> و چند بار نماز.<sup>۴۳</sup>

واژه‌هایی که به این صورت ترجمه شده‌اند و هماهنگ نیستند، بسیار زیادند که نمونه‌هایی از آنها در ذیل می‌آید: «حرکت» در جای دیگر «نهیضت»، اصلاح در جای دیگر «رفورم»، «هندویی» جای دیگر «هندوئیسم»، «بودایی»، «بودیسم» و «بودیزم شرقی»،<sup>۴۴</sup> جایگزین «آلترناتیو»، اصطلاح «Spiritualist» یکبار «اسپیرتیوالیستی»<sup>۴۵</sup> و یکبار هم «معنویت»<sup>۴۶</sup> آمده است.

۳) ترجمهٔ برخی عبارات واقعاً نامفهوم است. به فرض هم ترجمه درست باشد، ولی خواننده در نظر اول متوجه می‌شود که با عبارت ساخته و ویراسته‌ای مواجه نیست. به عنوان مثال به عبارت زیر توجه می‌کنیم: «از آن جایی که اسلام، سنت دینی و فرهنگی آن چنان غنی‌ای است که در طول زمان و مکان به نحو برجسته‌ای تغییر پیدا کرده و تنوع یافته است، منابع و روش‌های فهم و درک آن نیز بر همین روال متنوع می‌باشد».<sup>۴۷</sup> این نوع عبارات به حدی زیاد است که از حد شمار فزون است.<sup>۴۸</sup> به علاوه عبارت «شب سیاه روح» بهتر است شب تاریک روح ترجمه شود؛ زیرا این ترجمه بار منفی دارد در حالی که ترجمهٔ پیشنهاد شده بار مثبت عبارت انگلیسی را می‌رساند.

۴) تلفظ واژه‌ها به ویژه واژگان هندی به هیچ وجه درست به نظر نمی‌رسد. دست کم در نوشتهٔ سترگ داسگوپتا تلفظ‌ها به گونهٔ دیگر است و ای کاش مترجم محترم به اثر عظیم داسگوپتا مراجعه می‌کردند تا تلفظ واژگان نزدیک به واقعیت می‌شد.<sup>۴۹</sup>

تقریباً می‌توان گفت که هیچ یک از تلفظ‌های مترجم با استانداردهای پذیرفته شده هندو پژوهان جور در نمی‌آید، واژگانی از قبیل «دهرمه / درمه» دارما، و «سمساره» سامسارا تلفظ شده.<sup>۵۰</sup> مضاف بر این که تلفظ اصطلاحات بودایی نیز همین وضع را دارند. مثلاً «مهایانه» مهایانا، «کامه» کاما، «هینه‌یانه» هینایانا و ... تلفظ شده‌اند.<sup>۵۱</sup>

۵۲. Ossie Stuart .
۵۳. Purushotama Billimoria .
۵۴. Kim Knot .
۵۵. Harold Coward .
۵۶. Raymond Brady Williams .
۵۷. همان، ص ۳۳ .
۵۸. همان، ص ۴۱ .
۵۹. همان .
۶۰. همان، صص ۳۸ و ۴۵ .
۶۱. همان، ص ۷۷۵ .
۶۲. همان، ص ۲۵۳ .
۶۳. همان، صص ۳۶۹ و ۳۷۸ .
۶۴. همان، ص ۸۱۴ .
۶۵. نک: همان، ص ۱۱۶ .
۶۶. همان، ص ۱۲۶۱ .
۶۷. همان، ص ۳۳۷ .
۶۸. نک: همان، ص ۹۰۹ .
۶۹. A History of Indian Philosophy .
۷۰. همان، ص ۵۳۸ و بقیه فصل مربوط به هندوئیسم .
۷۱. نک: همان، صص ۵۳۷ - ۵۴۰ .
۷۲. همان، ص ۴۱۵ .
۷۳. همان، ص ۳۱۸ .
۷۴. همان، ص ۳۲۰ .
۷۵. همان، ص ۶۲۴ .
۷۶. همان، ص ۸۲۸ .
۷۷. راقم این سطور که مدتی افتخار شاگردی مترجم محترم داشته و اینک در کسوت معلمی به دانشجویان ادیان و عرفان تدریس می‌کند. خاضعانه از مترجم بزرگوار می‌خواهد که حتماً آثار خود را قبل از چاپ به ویراستاران ادبی و تخصصی بسپارد تا اشکالات آن برطرف شود. راقم این سطور بدآموزی‌های آثار مترجم را دیده است. ای کاش استاد مرحمت بفرمایند و توصیه شاگردشان را پذیرا باشد.
۱۵. Gush Emunim Movement .
۱۶. همان، ص ۱۳۳ .
۱۷. Andrew Walls .
۱۸. همان، ص ۱۴۳ .
۱۹. همان، صص ۳۳۶ به بعد .
۲۰. نک: همان، صص ۳۷۴ - ۳۷۵ .
۲۱. همان، صص ۴۰۶ - ۴۱۱ .
۲۲. همان، صص ۴۱۲ - ۴۳۶ .
۲۳. Simon Weightman .
۲۴. W. Owen Cole .
۲۵. همان، صص ۵۹۳ - ۶۰۸ .
۲۶. همان، صص ۶۰۸ - ۶۲۷ .
۲۷. Jain .
۲۸. Tapas .
۲۹. Kendall W.Folkert .
۳۰. John E.Cord .
۳۱. همان، ص ۶۵۰ .
۳۲. I.S.Cousins .
۳۳. همان، صص ۸۳۶ - ۸۳۷ .
۳۴. Michael Saso .
۳۵. همان، ص ۸۴۷ .
۳۶. همان، صص ۸۴۹ - ۸۵۲ .
۳۷. Deng Xiao Ping .
۳۸. همان، ص ۸۹۶ .
۳۹. David Reid .
۴۰. همان، صص ۹۳۰ - ۹۴۸ .
۴۱. Armin W.Girtz .
۴۲. نک: همان، صص ۹۶۸ - ۱۰۱۴ .
۴۳. Brian Colless .
۴۴. Peter Bonouan .
۴۵. Aylwald Shorter .
۴۶. Harold W.Turner .
۴۷. J.Gordon Melton .
۴۸. Denis Maceoin .
۴۹. همان، ص ۱۱۵۰ .
۵۰. همان، صص ۱۱۸۵ - ۱۲۲۲ .
۵۱. Ursula King .

